

رسالة سياست فرقان ذبح قربان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَمَرَنَا بِالْإِقْتِصَا وَنَهَانَا عَنِ الْأَسْرَافِ وَالْإِفْسَادِ وَالصَّلَاةِ عَلَى
 رَسُولِهِ الَّذِي جَاءَ فِي ظُلُمَاتٍ الْخَيْرِ بِالنُّورِ الْمُضِيِّ لِإِرْشَادِ الْعِبَادِ وَعَلَى الَّذِينَ
 هُمْ بَعْدُهُ عَمِيهَ عَلَيْهِ وَمَعَدِنِ الرَّشَادِ مِنَ الْآنَ إِلَى يَوْمِ النَّارِ وَبَعْدَ يَكْفَرُ أَفْضَلًا
 اخوان دینی از احقر فانی از علت و سیاست ذبح قربان در اعمال حج در منی سؤال
 نمود پس بعون الله جل جلاله در جواب میگوید که خداوند متعال علت ذبح قربان
 در کتاب خود بیان فرموده است قال في سورة الحج فاذا واجبت جنوبها فكلوا منها
 واطعموا الفقير والمعتر یعنی پس زمانیکه بعد از ذبح کردن قربان و یا نحر نمودن
 آن بر زمین افتاد و روح آن مفارقت کرد پس بخورید از آنها و بخورائید از آنها بفقیر
 قناعت کنند و بر سؤال کننده طلب کنند و ایضا در انسوره فرموده علی ما ذبحتم
 من جمیع الأنعام وکلوا منها واطعموا المسکین یعنی خداوند ایاد نماید در
 مقابل آنچه از گوشت حیوانات بر دستار روزی داده و بخورید از آن قربان و اطعام
 از آن محتاجین و تنگدستان و حاصل مضمون ایند و آیه شریفه این است که از گو
 قربان منی ما ذون میباشید که خودتان بخورید و نیز باید از آن بفقراء سؤال
 و بر محتاجین و درماندگان بدهید تا اینکه انجماعت نیز در هر سال در آنوقت از جهت
 دادن آن گوشتهها بایشان چند روزی رفع عورت و پریشانی نمایند پس از این
 روایه شریفه حکمت و سیاست و صلاحیت ذبح قربان در منی واضح و معلوم
 زیرا که صریح آیات دلالت دارد بر اینکه ان قربان از بهر خوردن و انتفاع فقراء
 و مساکین است و در تمذیب بسند صحیح از کتاب روایت کرده که حضرت صادق
 زمانیکه در منی ذبح و یا نحر قربان نمودی پس خوردت از آن بخور و اطعام کن بفقراء

چنانکه

چنانکه خداوند فرموده فَكُلُوا وَاطْعَمُوا الْقَانِغَ وَالْمَعْتَرَةَ پس آنحضرت فرمود مراد از
 قانغ آنکس است که قناعت کند بر آنچه باو سید می و مراد از معتن کسی است که از تو
 سؤال بکند و یکی از اطعام شدگان در ذابیه دیگر بائس فقیر است که مراد مطلق نوع ^{فقر}
 و ضعف است که باو نیز اطعام میشود و مثل این است حدیث عبد الرحمن در کافه و معانی الأجناب
 و حدیث ابن عمار در کافه از آنحضرت و ایضا در کافه از ابی الصباح روایت کرده که از آن
 حضرت سوال کردم از گوشت قربانی منی پس فرمود که حضرت زین العابدین و حضرت باقر
 همیشه یک نلک بفقراء همایه خودشان و یک نلک دام بسؤال کنندگان میدادند و یک
 سهم باقرا از برای خانواده خود نلک اطعام مینمودند و این حدیث را در فقیه و علل نیز روایت
 در کافه از حلی روایت کرده که از آنحضرت سوال کردم از کفاره شکار کردن در حرم ^{مکه}
 که برای آن شتر و یا گاو و یا کوسفندی ذبح کردن لازم میشود آیا جایز است از گوشت آنها
 دهند کفاره نیز بخورد یا نه فرمود از گوشت قربانی میتواند بخورد لکن کفاره شکار کردن
 باید بفقراء تصدق بکند و این حدیث را در فقیه و مقنع نیز روایت کرده و در فقیه در
 حدیث حجة الوداع روایت کرده که حضرت رسول الله تم یکصد نفر شتر از برای خود و ^{حضرت}
 امیر المؤمنین در منی از جهت قربانی مخر کردند و چیزی از گوشت آنها خوردند و آنحضرت
 فرمودند بدرسینکه خداوند قرار داده قربانی کردن را از جهت اینکه فقراء و مساکین از
 خوردن گوشت سیر بشوند پس گوشت قربانیا بفقراء بدهید و در مستلک ^{الموسا}
 از کتاب جعفریات بسند خود از حضرت صادق از پدرانش از حضرت امیر المؤمنین روایت
 کرده که حضرت رسول الله تم فرموده جز این نیست که خدا ایتعالی در منی قربانی قرار داده از
 جهت اینکه سیر بشوند مساکین و فقرا ی شما از گوشت پس قربانیا بفقراء بخور ایند و از
 امثال ابن احادیث در کتب اربعه و مستلک بسیار است و این احادیث صحیحه مثل
 آیات شریفه بیان میکند که علت و سیاست ذبح قربانی در منی همان انتفاع فقراء و ^{اطعام}
 ضغفاء و تنک است و دفع حاجت و دفع کربسنگی محتاجین است و احادیث در این

ذبح

سخت

صراحت و دلالت واضح دارد و منکر این دلالات صریح منکر ضروریات عقلیه است
و این حکم صریحاً حکم قرآن و فرمایش امامان ما است و ایراد و اشکال بر قرآن و
بر حضرت ختمی مآب و اوصیاء مرضیین هرگز وارد نمیشود و در مقابل نص صریح هم
اجتهاد نتوان کرد پس ابدان کسی از داخله و یا از خارجه حق ایراد و اعتراض بر احکام
خدا و فرمایشات پیغمبر و امامان ندارد اگر مسلمانان بر حسب مفاهیم احکام قرآن
و احادیث عمل نمایند و علت و سیاست این حکم را که مقصود از آن سیری فقراء و
انتفاع عجزه و ضعفائست تفهیده مانند آنکه صد نفر هر یک بموجب نذر کلاهنی
یک نفر بگذارند در حالتیکه آن فقیر بدنش سزا پاپا بدهند و خودش از کسبکی ^{بکت} نوزد
ببرد حاشا و کلا که صاحب شرع انور اینطور حکمی بکند و یا بنطور عمل رضا بدهد
معلومست که این اعتراض بیجالت مسلمانان راجعت نه بر حکم صاحب شرع زیبا
خداوند در قرآن و پیغمبر و امامان در احادیث اینرا بیان فرموده اند که علت و سیا
سیت در ذبح قربانی در منی همان خوردن فقراء و انتفاع ضعفائست چنانکه در آیات
و احادیث صحیحه ذکر گردید پس ایراد و اعتراض معترضین بصاحب شرع انور بر ق
اسلام در این موضوع وارد نخواهد شد و بلکه بر عمل مسلمین وارد است اگر مسلمین
زیاده بر قدر حاجت ذبح قربانی نکند و قربانی خودشانرا بعد از ذبح ضایع نمایند
مرتکب اتلاف مال و اسراف نشوند و آن قربانی را زنده بفقراء بدهند و یا در فقر
در یک قربانی شرکت کرده قیمت نه را پس دیگر اضعفاء و فقراء بدهند و از قیمت آنها
ساکنین مکه را غنی سازند یا در نوزد صاحب شرع و احکام پذیرفته نخواهد شد نوزد
اللهم من الجهل والعمی ..

فقیر از بالای
یکدیگر

این معنی در اخبار و احادیث ائمه روشن است که در اوایل اسلام حکم چنین بود که
گوشت قربانیه از منی و از حرم مکه خارج نکند یعنی بفقراء مکه تقسیم نمایند بعد از ذبح
شدن مسلمانان و شیوع اسلام فرمودند که خارج کردن گوشت قربانی از منی و از حرم مکه

عیب ندارد چنانکه در کاف در حدیث صحیح از محمد بن مسلم روایت کرده که از حضرت صادق
 سؤال کردم از خارج کردن گوشت قربان از منی آنحضرت فرمود در زمان سابق گفته بودیم
 که گوشت قربان را از منی خارج نکند از جهت حاجت فقراء بگوشت در خود منی و اما در نزد
 پس عیب ندارد بیرون بردن گوشت قربان از منی بجای دیگر و این حدیث را در تهذیب نیز
 از آنحضرت روایت کرده پس در این حدیث صحیح در کاف و تهذیب آنحضرت اجازه فرموده در زمان
 خودش بخارج نمودن گوشت قربان از منی از جهت نبودن فقراء و محتاجین بر گوشت یا از جهت
 کثرت لحوم قربان نسبت بعد محتاجین و حال آنکه در اوایل اسلام خارج کردن آن جایز نبود
 از جهت حاجت فقراء و اجتماع ضعفاء در منی برای خوردن و بردن گوشت قربان

و بلکه در احادیث وارد شده که حکم گوشت قربان در زمان خود پیغمبر تغییر یافت چنانکه در
 کاف و تهذیب از ابن سدر از حضرت باقر و از کنانه از حضرت صادق روایت کرده اند که حضرت
 پیغمبر در اوایل اسلام نهی فرمودند از نگاه داشتن گوشت قربان بعد از سه روز در منی
 و بعد از آن اذن دادند و فرمودند که بعد از این بخورید از گوشت قربان و ذخیره بکنید
 از آن گوشت در خانه های خودتان و در تهذیب از جابر انصاری روایت کرده که حضرت
 پیغمبر امر فرموده بودند بما که گوشت قربان را به بعد از سه روز نگاه نلایم و نخوریم در
 اول اسلام و بعد از آن اذن دادند که بعد از سه روز نیز بخوریم و قد بد و قلبه بکیم و
 قلبه را بخویشان خودمان هدیه نمایم و در فقیه از محمد بن مسلم روایت کرده که حضرت
 باقر فرمود که حضرت پیغمبر در اول اسلام نهی فرموده بودند از نگاه داشتن گوشت
 قربان در منی زیاد بر سه روز از جهت محتاج بودن فقراء بر گوشت و اما در آمدن
 پس عیب ندارد و ایضا در فقیه از جلیل روایت نموده که از حضرت صادق سؤال کرده
 از نگاه داشتن گوشت قربان در منی زیاد بر سه روز فرمود امر و عیب ندارد بلکه
 حضرت پیغمبر در اول اسلام منع فرموده بودند از جهت اینکه فقراء محتاج بودند بگوشت
 و اما در این روز پس عیب ندارد و این حدیث را نیز احمد بن ابی عبد الله بر آن در کتاب

عالم

محاسن روایت کرده و ایضا در فقیه روایت کرده که حضرت صادق فرمود ما در روزها
 سابق نمی میکردیم از خار ج کردن گوشت قربانی بعد از سه روز از جهت که بودن گوشت
 در منی و زیاد تر شدن فقراء در اینجا و اما در امروز پس گوشت زیاد تر شده و فقراء
 کمتر گردیده و عیب ندارد ببردن گوشت را از منی بخارج و از امثال این احادیث
 بسیار است که مضمون آنها تغییر حکم گوشت قربانی است در منی بعد از شیوع مصلحت زیرا که
 در اول امر برون کردن گوشت از منی جایز نبوده از جهت حاجت فقراء و ذخیره کردن گوشت
 زیاده بر سه روز در منی غیر جایز بوده بجهت آنکه فقراء در اول اسلام زیاد تر و حج کتده
 کمتر بوده است چنانکه در این ^{مطابق} ^{تصحیح} ^{و لذا} ^{امکنست} ^{که اصل}
 که يك قربانی است استجاب تعدد آن ناظر بکثرت فقراء و قلت حج کتدگان باشد و منی
 همین نظریه که گفتیم ممکنست که امروز نظر بکثرت حج کتدگان و قلت محتاجین ^{ها}
 يك اصل واجب باقی باشد و ماعدای انرا در سایر حوایج فقراء و محتاجین صرف نمودن
 و بلکه از اصل واجب نیز بقصد حاجت فقراء ^{قربانی} کرده اضافه آنرا هم در سایر ضروریات
 فقراء انجام صرف کردن باینطور که ده نفر یا بیشتر یا کمتر یا شترک یکذبح قربانی کرده با قریب
 محتاجین مکه و بلکه بضعفاء ارحام و مساکین و ولایت خودشان برسانند چنانکه جایز
 بودن اشترک در قربانی يك رأس کوسفند تا هفتاد نفر در ساله اعمال حج بموجب اجازت
 صحیحه بیان کردیم و ممکنست در این زمان از قریبها زیاده بر قلد حاجت فقراء ازنده با
 بدهند که تا فقراء و ضعفاء از آنها و از منافع آنها حوایج زندگان خود را در عرض انسال بلکه
 سالها انجام بدهند تمامی موافق آیات و احادیث صحیحه که در دست است برضای
 صاحب شرع انور مفر و نیت و در نزد او محبوبت زیرا که غالب آنچه از قربانی در این زمان
 ذبح و یا نخر میشود یا از عدم حاجت و یا از ممانعت دولت بفقراء قسمت نمیشود و بلکه بخرید
 کردن همان حیوان را مأمورین دولت در کودالها اینکه قبلا کنده شده دفن میکنند بواسطه
 اینکه از تاثیر کرما کندیده نشده و تولید ناخوشی نماید و بدین جهت گوشت و پوست انحیوان در

واجب و یا افلا
 مستحب باشد
 قیمت

در روز ضایع میشود و بمصرف فقراء و بر محتاجین نمیرسد و حال آنکه مقصود شارع
 امر بذبح آن مصرف و حاجت فقراء و ضعفاء بوده نه فقط کشتن آن حیوان چنانکه آیا
 و احادیث صریحه بدان باب ذکر شد بلی اگر قیمت آنرا قبل از ذبح نمودن محتاجین و بر
 ارحام و یار اهل ولایت خودشان بدهند یا اینکه زننده او را بفقراء و محتاجین بذل نمایند
 اول و انب است و آن قربانی بمصرفیکه مقصود شارعت رسیده و در محل خود مصرف خواهد
 زیرا که در ذبح آنها بدست حج کتدگان انتقاعی برای فقراء و ضعفاء حاصل نمیشود مگر اصل
 یکی دو و باقی روز بر خاک مانده و پوسیده میشوند علاوه بر اینکه انقلا نعت الهی ضایع
 میشود تقریباً هر سال یک ملیان ثروت مسلمین هیچ و پوچ میشود بدون اینکه از آن یک
 ملی بهرمند شود و اگر قیمت آن داده شود بضعفاء انتقاع بزرگ از آن خواهند نمود اصل
 واجب بعمل خواهد آمد و اصل واجب هر چندیکه در اول اسلام ذبح کردن و بعد از آن
 دادن آن بفقراء بوده و لکن بعد از وجود مانع از دادن آن بفقراء و ضعفاء پس باید
 علت و مصلحت و سیاست و خوب قربانیا مراعات و حفظ کرد که فوت نشود و انب
 و علت و مصلحت همان انتقاع فقراء و رفع حاجت ضعفاست و لا غیر و در ذبح کردن
 آنوقت فوت میشود و مال مسلمین ضایع میگردد و تضييع مال بدون جهت شرعی جایز
 و بلکه حرامست علاوه بر این بصاحب حق که فقراء باشند اشتغال ذمه است
 و باز ذبح کردن قربانی با وجود فن اجباری حق فقراء فوت میشود و ذبح کننده مشغول
 میشود زیرا که بذبح نمودن قربانی فقرا از حق واجب خودشان محروم میگردد و اشتغال
 الذمه همین است بعلوه اینکه تضييع مال خودی حد نفسه امریست حرام و اما در دادن
 آن یا زننده آن بفقراء پس حق ایشان بایشان میرسد و فقط ذبح کردن از جهت وجود مانع
 خارجی فوت میشود و آن ساقط است و مسئولیتی ندارد چنانکه جمیع واجبات بجهت وجود مانع
 و جوب آنها ساقط میشود و شخص از بیجا آوردن آنها معذور میشود پس باید در هر مقام
 از واجبات اسلام مصلحت و علت و حکمت آنرا ملاحظه و رعایت نمایند و الزم الزم

ولایم مقدم بد اورد و تقدیم اقم مثل مقدم بودن اعلم از واجبات و بلکه الزم بود
 اقم از فطریات و معلوم هر کس حتی صبیان و نسوانست و علاوه احادیث و او زده در حدیث
 کردن بکعبه معظمه بدارن قیمت قرآن منی نیز میتواند شاهد بشود چنانکه در کاف و تهذیب
 از یاسین روایت کرده اند که از حضرت باقر شیندم قومی از مصر بکعبه مسافرت کردند و یکی از
 ایشان در راه وفات کرد و وصیت نمود که فرار دردم از مال او از برای مکه بدهند چون صحیح
 او بکعبه رسید او را دلالت کردند بر بنی شیبه که خدام مکه اند و انکس نزد ایشان رفته قضیه را
 نقل کرد گفتند انما لهما میرسد و وقت تو بری میشود انکس مال را بایشان نداد و مردمان
 او را دلالت کردند و او امید بفرز من و من با او گفته که کعبه محتاج بانفال نیست و لکن تو نظر
 کن بچاچیا که کلامیک از آنها نفقه ندارد و از من ^{طن} خورش عاجز شده و اعالم را یاد
 بده تا آخر حدیث و ایضا در کاف و تهذیب از جابر جعفی روایت کرده اند که یک نفر از اهل
 نقل کرد که برادر من یک نفر کثیر خوی داشت و او را وصیت کرد بکعبه و من او را بکعبه آوردم
 دلالت کردند بر بنی شیبه و بعضی از مردمان بجای دیگر که بایشان بدهم پس یک نفر از اهل
 مسجد الحرام بمن گفت ای احقر ایبتونشان بدهم گفته بلی ترا نزد آنکه مراد دلالت کن باو گفت
 حضرت صادق پس من بحضور او رفتم و قضیه را گفتم ^{انکس} فرمود ^{انکس} به محتاج خوردن و اشامیدن
 نیست انکیز بفروش و قیمت او را بفقر او زوار بده تا آخر حدیث که در قانون اسلام نوشته ام
 پس ازین دو حدیث معلوم شد که باید در مزج قرآن منی محل حاجت مراعات شده
 و اصلح و الزم جزء آن مقدم شود هر چند که جزء اهون و اصغر آن فوت شود یا مبدل ^{ند}
 کرد چنانکه امام وصیت بخانه کعبه را تبدیل بدارن مال الوصیه بچاچین محتاج فرمود
 و علاوه در احادیث صحیحه فرموده اند که ما امامان اصول احکام را بیان میکنم و بر شماست
 که فروعات را از آن اصول استخراج بکنید و بموجب اصل لا ضرر و لا ضرار و امثال ان اتلاف
 فقراء جایز نیست و حفظ ان نسبت بقوت ذبح اقم و الزمیت و نیز در احادیث متواتره در کتب
 از اتلاف مال نمی کرده اند و هم چنین از اسراف منع فرموده اند ایادفن کردن اینهمه قرآنها در منی ^{ایضا}

و سراف نیت ای صاحب شرح انور فرموده که آن قریبها را دفن نمایند و فقراء و ضعفاء
مردم بمانند حاشاتم حاشانیت اینگونه کار جاهلانند و باو نمیتوان داد و ایضا از برای
از اشخاص ذبح یک قربانی واجب نیت و بلکه از برای چندین نفر فقیر یک قربانی کافیت چنانکه در کتب
و تہذیب از سواد روایت کرده اند که بحضرت صادق عرض کردیم که قربانی بمانا یاب شده فرمود اجتمع
بکنید و یک شتر خریدہ بخر بکنید عرض کردیم قدرت نداریم یک رأس گاو بخردیم عرض کردیم باہم فلان
نداریم فرمود یک رأس گوسفندی بخردیم عرض کردیم ای ایک کوسفند از هفت نفر کافیت فرمود بل
از هفتاد نفر نیز کفایت میکند و ایضا از حرمان روایت کرده اند کہ یکسال در مگہ شتر کران شد
از حضرت صادق سوال کردند فرمود شتر یک بشوید کفتم تا چند نفر فرمود هر قدر کفایت کند شتر
عرض کردیم از چند نفر کفایت فرمود از هفتاد نفر و در فقیہ روایت کرده کہ یک نفر شتر از دہ نفر اشخاص
کفایت در زمانیکہ کران باشد یک کوسفند از هفتاد نفر کفایت و در تہذیب از ابن عمار روا
کہ حضرت صادق فرمود کہ یک گاو از پنج فرسخی کفایت و قتیگہ اهل یک سفر باشند و در خصال
و تہذیب از ابی بصیر روایت کرده اند کہ آنحضرت فرمود شتر و گاو از هفت نفر کفایت میکند چه از اهل نیت
و یا از بیوت متفرقہ و مثل اینهاست احادیث دیگر و اما آنچه در احادیث وارد شد کہ در منی یک کوسفند
و یا یک گاو از دہ نفر کافیت میشود در مردمان صاحب قدرت و ثروت و برای سایرین از هفت نفر تا
نفرات کوسفند کفایت چنانکہ در سالہ اعمال حج بیان کردم و در بین احادیث اختلاف نیت و در
چند نفرات کوسفند در حال ضرورت کفایت کہ قیمت انرا بفقراء بدهند و یا بارحام فقیر خود شاد
و باذبح کردن باعث اتلاف مال و تضييع حق ضعفاء نشوند و ایراد و اعتراض دہری و طبعی
بر دین قوم اسلام وارد نکند و مجدداً بابت سابقہ در این وجہ جواب انہا داده شد کہ ایراد
بر دین اسلام وارد نیت و بلکه بر عادات مسلمین وارد است چنانکہ جماعت یهود و مسیحیان
چندین عاداتی دارند کہ حضرت موسی و حضرت عیسیٰ فرمودہ اند و ما را نرسید کہ بجز در دنیا
انعادات بان پیغمبران ایراد نمائیم و تمام شد این وجہ در ساعت دوم از دہم روزیم از ماہ ہجرت
آخر از عشر پنجم از صمد چهارم از فرار روزیم از ہجرت نبویؐ بدست احقر فایز حسین ابن نصرہ مؤلف
عرب بافی و الحمد لله
علی ذلک